

بررسی تطبیقی عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای در زبان‌های فارسی و آلمانی

دکتر پرویز البرزی ورکی

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

چکیده

در مقاله حاضر نگارنده تلاش دارد تا عناصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای را در زبان‌های فارسی و آلمانی توصیف نماید، و نتایج به دست آمده را در برابر هم قرار دهد. از این لحاظ دو زبان دارای رابطه یک به یک نیستند، به عبارت دیگر، گروه‌های حرف اضافه‌ای در زبان آلمانی نقش‌های وصفی بیشتری به عهده می‌گیرند، در حالی که این پدیده در زبان فارسی کمتر مشاهده می‌شود. یکی از مشکلاتی که نگارنده همواره با آن مواجه بوده است فقدان تعریف منطقی و منسجم از خود مقوله حرف اضافه در زبان فارسی است. تاکنون حد و مرز این پدیده با سایر مقولات در دستورهای زبان فارسی مشخص نشده است، حال آنکه این مقوله در زبان آلمانی به خوبی تعریف و تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها

عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای، حروف اضافه، فعل اسمی شده، متمم، ضمیمه، مکمل، نقش قیدی، مضاف‌الیه، هسته اسمی، ظرفیت فعل.

بنا به قول باطنی (۱۳۶۴: ۱۷۵) حروف اضافه زبان فارسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول حروفی هستند که به دنبال خود کسره اضافه نمی‌پذیرند، مانند «با»، «از»،

«در»، «به»، «بر» و غیره. دسته دوم حروفی هستند که آخر آنها کسره اضافه به کار می‌رود، مانند «برابر»، «برای»، «کنار»، «نزد»، «روی» و غیره. اما گروه اخیر ظاهراً در زمره مقوله اسم به شمار می‌رود. در این خصوص بنگرید به مقاله البرزی ورکی (۱۳۷۷).

حرف اضافه به اصطلاح مرکب (یا چند جزئی) با حرف اضافه و اسم ساخته می‌شود، مانند «از روی»، «بر روی»، «در پای»، «در پیش»، «به سوی». در واقع، حروف اضافه به اصطلاح مرکب، همچون اصطلاحات کلیشه‌ای یا ترکیب‌های ثابتی هستند که همراه اسم به کار می‌روند و همواره گروه اسمی دیگری را به صورت عنصر وصفی به دنبال دارند. حرف اضافه به اصطلاح ساده این گونه ترکیب‌ها اغلب حذف می‌شود، و آنچه که باقی می‌ماند (روی، پای، پیش، سوی)، مانند هسته گروه اسمی عمل می‌کند (روی میز، پای دیوار، پیش رو، سوی او).

حروف اضافه در زبان‌های فارسی و آلمانی از نظر صرفی تغییر نمی‌کنند و به لحاظ نحوی هم در هر دو زبان عناصر ارتباطی محسوب می‌شوند. حروف اضافه، از نظر معنایی، روابط مکانی و زمانی و وجهی و سایر روابط بین عناصر واژگانی مرتبط با خود را تعیین می‌کنند. برای مثال، حرف اضافه von اغلب دارای معنای «از» (Ablativ) است. گاهی در زبان آلمانی دو حرف اضافه بلافاصله به دنبال هم ظاهر می‌شوند. برای مثال، bis در گروه حرف اضافه ای bis zum Bahnhof معنای مکانی، و در bis zum nächsten Tag معنای زمانی دارد.

در زبان آلمانی حروف اضافه پیشین و پسین (Adposition) حاکم بر حالت گروه اسمی بعد یا قبل از خود اند (و این برخلاف زبان فارسی است)، مقایسه کنید (۱-الف) را با (۱-ب). در این خصوص مثال‌های دیگر عبارتند از: حرف اضافه mit که حالتی «به» (mit dem Geld) و حرف اضافه für که حالتی «را» (für das Geld) را به دنبال خود می‌طلبند.

nach meiner Meinung (۱-الف)

meiner Meinung nach (۱-ب)

در زبان آلمانی عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای بعد از هسته اسمی به کار می‌رود. برای مثال بنگرید به عناصر وصفی در گروه‌های اسمی (۲-الف) و (۲-ب) و عنصر وصفی در جمله (۲-ج). همچنین مصدرهای با zu (۲-د) و جملات فرعی (۲-ه)، هرگاه

در نقش وصفی به کار روند، همیشه بعد از هسته اسمی قرار می‌گیرند.

Bücher für Kinder – die Liebe zur Kunst	(۲-الف)
die Brücken über den Rhein – die Reise nach Italien	(۲-ب)
Er hat Hoffnung auf Genesung.	(۲-ج)
Er hat die Hoffnung, wieder gesund zu werden.	(۲-د)
Er hat die Hoffnung, daß er wieder gesund wird.	(۲-ه)

در زبان فارسی عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای کمتر به کار می‌رود، مانند گروه‌های «از مرگ»، «به آینده»، «از رئیس جمهور»، «برای موفقیت»، «به صلح»، «به هنر» در گروه‌های اسمی «فرار از مرگ»، «امید به آینده»، «انتقاد از رئیس جمهور»، «تلاش برای موفقیت»، «امید به صلح»، «عشق به هنر». در ضمن، گروه‌های اسمی «چشم به راه»، «گوش به زنگ» و «پا بر جا»، که دارای عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای هستند، ترکیباتی ثابت و کلیشه‌ای محسوب می‌شوند.

نشانه مفعولی «را»، که همیشه قبل از جمله موصولی می‌آید، نیز معمولاً قبل از عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای به کار می‌رود (۳-الف)، با این حال ممکن است بعد از آن بیاید (۳-ب). به نظر می‌رسد که تفاوتی کارکردی یا معنایی بین این دو جمله فارسی وجود دارد: این‌که آیا در این جملات، آخرین کتاب نویسنده درباره هوشناسی (که کتاب‌هایی درباره موضوعات دیگر نوشته) مطرح است یا آخرین کتاب از کتاب‌های متعدد درباره هوشناسی (که مؤلف نوشته) (۳-ج) معادل این دو جمله در زبان آلمانی است که همچنین ابهام دارد.

(۳-الف) آخرین کتاب او را در زمینه هوشناسی نخوانده‌ام.

(۳-ب) آخرین کتاب او در زمینه هوشناسی را نخوانده‌ام.

(۳-ج) Ich habe sein letztes Buch über die Meteorologie nicht gelesen.

گروه‌های حرف اضافه‌ای، علاوه بر نقش وصفی در گروه اسمی، ممکن است نقش‌های نحوی متفاوتی در جمله به عهده بگیرند. برای مثال، نقش مفعول حرف اضافه‌ای در (۴-الف)، نقش قیدی در (۴-ب) و نقش مسند در (۴-ج).

(۴-الف) Er wartet auf den Freund.

Er wartet auf dem Bahnhof. (۴-ب)
Das Problem ist von Bedeutung. (۴-ج)

ممکن است گروه‌های حرف اضافه‌ای در نقش وصفی دارای دو انعکاس نحوی باشند: انعکاس مفعولی در درون گروه اسمی، مانند auf Frieden در (۵-الف)، و انعکاس قیدی در درون گروه اسمی، مانند im Frieden در (۵-ب). به سخن دیگر، گروه‌های حرف اضافه‌ای که یک گروه اسمی را بسط می‌دهند یا متمم (komplement) هستند یا ضمیمه (Adjunkt). پس رابطه معنایی بین هسته گروه اسمی (که از فعل مشتق می‌شود) و عنصر وصفی حرف اضافه‌ای بازتابی از رابطه فعل و مکمل (Ergänzung) مربوطه در جمله همتای خود محسوب می‌شود. البته فعلی که بتواند در صورت اسمی شدگی نقش هسته گروه اسمی را به عهده بگیرد و نیز مکملی که بر اساس ظرفیت (Argument) فعل یا به صورت مکمل اجباری (۵-ج) یا به صورت مکمل غیر اجباری (۵-د) به کار رود. به سخن دیگر، فعل ظرفیت خود را برای هر عنصر اسمی شده به ارث می‌گذارد، به مفهوم قبول ظرفیت فعل از طریق هسته گروه اسمی، اگر در این مورد فاعل را در نظر نگیریم، یا به صورت تک‌ارزشی یا به صورت صفر ارزشی در مثال‌های (۵-ج و ۵-الف) و (۵-د و ۵-ب) نمود می‌یابد. در زبان فارسی هم مثلاً فعل «کمک کردن» ظرفیت خود را در گروه اسمی «کمک به حسن» به ارث می‌گذارد که در آن عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای «(به) حسن» مفعول در جمله همتای خود به شمار می‌رود. اما در گروه اسمی «کمک حسن» عنصر مضاف الیه «حسن» فاعل به حساب می‌آید.

die Hoffnung auf Frieden. (۵-الف)
die Hoffnung im Frieden. (۵-ب)
Ich hoffe auf den Frieden. (۵-ج)
Ich hoffe im Frieden. (۵-د)

اسمی که از فعل مشتق شده باشد (یعنی فعل اسمی شده)، معمولاً به صورت هسته گروه اسمی ظاهر می‌شود. ممکن است فاعل (که ظرفیت اصلی فعل محسوب می‌شود) در نقش عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای با von یا durch به کار رود. در انتخاب

حرف اضافه ظرفیت فعل نقش مهمی ایفا می‌کند. به این ترتیب، ظرفیت اسمی، که فاعل و عامل باشد، در صورتی در جایگاه عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای با *durch* به کار می‌رود که از نظر معنایی ظرفیت اصلی (منطبق بر فاعل در جمله معلوم) یا از نظر نحوی فاعل دستوری فعل‌های متعدی در جمله معلوم باشد (۶-الف). ظرفیت اسمی فاعل یا ظرفیت اسمی مفعول به صورت عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای در صورتی با *von* می‌آید که فاعل یا مفعول فعل‌های دیگر مطرح باشد: فاعل فعل‌های متعدی در جمله مجهول (۶-ب)، فاعل فعل‌های لازم (۶-ج)، و یا مفعول فعل‌های متعدی (۶-د).

der Verkauf *durch* den Geschäftsmann (۶-الف)

← Der Geschäftsmann verkauft sein Haus.

die Verhaftung *von* Verbrechern (۶-ب)

← Verbrecher werden von der Polizei verhaftet.

die Hilfe *von* Karl (۶-ج)

← Karl hilft der Dame.

der Verkauf *von* wertvollen Antiquitäten (۶-د)

← Der Geschäftsmann verkauft wertvolle Antiquitäten.

بین عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای و نقش قیدی تفاوت نحوی (همجواری و ناهمجواری) و نیز تفاوت معنایی وجود دارد. برای مثال، گروه حرف اضافه‌ای *am Tor* در جمله (۷-الف) نقش وصفی را به عهده دارد، ولی در جمله (۷-ب) دارای نقش قیدی است، یا گروه حرف اضافه‌ای *im Schaufenster* در ساخت (۷-ج) دارای نقش وصفی، ولی در (۷-د) دارای نقش قیدی است.

Der Mann *am Tor* sagte mir die Wahrheit. (۷-الف)

Der mann sagte mir die Wahrheit *am Tor*. (۷-ب)

das rote Kleid *im Schaufenster* anprobieren (۷-ج)

das rote Kleid anprobieren *im Schaufenster* (۷-د)

می‌توان تفاوت معنایی بین عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای و مضاف‌الیه را در گروه‌های اسمی (۸) مشاهده نمود: در (۸-الف) سخن از حیواناتی است که هم‌اکنون در جنگل به سر می‌برند (حیوانات جنگل)، اما در (۸-ب) حیواناتی مطرح می‌شوند که

ممکن است فعلاً در جنگل زندگی نکنند (حیوانات جنگلی، که در آن واژه «جنگلی» صفت نسبی است).

Tiere im Walde (۸-الف)

Tiere des Waldes (۸-ب)

ممکن است در گروه اسمی زبان آلمانی یک عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای به کار رود (۹-الف)، در حالی که در گروه اسمی معادل آن در زبان فارسی، به جای عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای، یک مضاف الیه ظاهر گردد (۹-ج). بنابراین، (۹-ب) در زبان آلمانی و (۹-د) در زبان فارسی نادرست اند.

Ministerium für Kultur (۹-الف)

*Ministerium der Kultur (۹-ب)

وزارت فرهنگ (۹-ج)

*وزارت برای فرهنگ (۹-د)

انتخاب مکمل در هر دو زبان به ظرفیت هسته گروه اسمی، ظرفیت فعل، و به جمله مربوطه (که از آن گروه اسمی دارای عنصر وصفی تعبیر و تفسیر می‌گردد) بستگی دارد. برای مثال، از دیدگاه نگارنده، عنصر وصفی زبان فارسی در (۱۰-الف) یک گروه اسمی درونه‌ای است که از هسته پیرو («رو»)، کسره اضافه («ی») و مضاف الیه («درخت») تشکیل شده است، در حالی که معادل آلمانی آن یک عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای (auf dem Baum) است (۱۰-ب). (۱۰-ج) مثال دیگری است در این خصوص.

پرنده روی درخت (/ پرنده بر روی درخت) (۱۰-الف)

پرنده روی درخت نشسته است / می‌نشیند. ↑

der Vogel auf dem Baum (۱۰-ب)

← Der Vogel sitzt auf dem Baum / setzt sich auf den Baum.

der Mann auf der Bank (۱۰-ج)

← Der Mann sitzt auf der Bank.

ممکن است بعضی مکمل‌های صفت‌های (مفعولی) وصفی در زبان فارسی با حروف اضافه (۱۱-الف) یا با کسره اضافه ظاهر گردند (۱۱-ب)، و بعضی دیگر فقط با

حروف اضافه (۱۱-ج) بیایند.

(Sünde begangen)	آلوده به گناه	(۱۱-الف)
Sünde begangen)	آلوده گناه	(۱۱-ب)
(vermischt mit)	آمیخته با	(۱۱-ج)

به‌طور خلاصه، در هر دو زبان، گروه‌های حرف اضافه‌ای، علاوه بر کاربرد وصفی، نقش‌های مهم دیگری (همانند نقش مفعولی و قیدی) هم دارند. عنصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای در هر دو زبان بعد از هسته اسمی جای می‌گیرند. با این حال، عناصر وصفی گروه حرف اضافه‌ای در زبان آلمانی به مراتب بیشتر از زبان فارسی به کار می‌روند. از این رو، آن دسته از عناصر وصفی حرف اضافه‌ای که در زبان فارسی کاربرد ندارند، از طریق عناصر وصفی دیگری (مثلاً مضاف الیه) قابل بیان اند.

منابع

البرزی ورکی، پرویز، ۱۳۷۷، «نقدی بر مقالهٔ 'فعل مرکب در زبان فارسی'»، مجلهٔ پژوهش، شمارهٔ پنجم، ص ۶۹-۸۹.

باطنی، محمدرضا، ۱۳۶۴ [۱۳۴۸]: توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

Alborzi Verki, Parviz (1997): Kontrastive Analyse der Wortstellung im gegenwärtigen Deutschen und Persischen. Universität Osnabrück. Dissertation. (Bd. 13, Tectum Verlag Marburg 1997)

Eisenberg, Peter (1989): Grundriß der deutschen Grammatik. 2., überarbeitete und erweiterte Aufl. Stuttgart: Metzler.

Helbig, G./Buscha, J. (1993): Deutsche Grammatik: ein Handbuch für den Ausländerunterricht. 15., durchgesehene Aufl. Leipzig: Langenscheidt, Verlag Enzyklopädie.

Lazard, Gilbert: *Grammaire du Persan contemporain*, Translated into English (A grammar of contemporary Persian) by Shirley A. Lyon ed. by Ehsan Yarshater (=Persian Studies Series, XIV), Costa Mesa, California: Mazda, 1992 [1957].

